

گروه سیاست اوضاع و احوال این روزهای جامعه ایران خوب نیست اما همین جامعه تمام‌قد جلوی تجزیه‌خواهان ایستاده، زخم‌های خود را فریاد می‌زند اما فریاد تجزیه‌طلبی اجنبی را پذیرا نیست. اگرچه در وقایعی چون دو‌ماه گذشته این فریاد جامعه چندقطبی شده، برخی از سر ندانم کاری با غربیگان و تجزیه‌طلبانی در هزاران کیلومتر دورتر همصدا شدند ولی درهرحال بسیاری از مردم پی بردند که نه برلین خیر مردم ایران را می‌خواهد، نه آن رسانه‌های لندن نشین و سعودی که سهم‌گرفانی از بود‌جه دولت آمریکا و عربستان را برای تحدید و تشدید تحریم‌های ایران دریافت می‌کنند. اما این دانستن چیزی از نارضایتی مردم کم می‌کند؟ مردم دانستند که آن سوی مرزها هیچ کس دلش برای ایران نه می‌سوزد، نه به رحم می‌آید. این دانستن چیزی از واقعیت موجود در جامعه را تقلیل نمی‌دهد، چون انباشتی از زخم‌ها، نارضایتی‌ها و… از دولت‌ها بر تن جامعه برچای مانده که اگر الان هم بر آنها سرپوش گذاشته‌شود، باب‌گفت‌وگو‌شکل می‌گیرد، گفت‌وگویی که در آن مسئولان شرایط کشور و مسیر ترسیم شده برای تغییرات را با مردم در میان می‌گذارند. البته هر گفت‌وگو شرایط مکانی و زمانی خاص خود را می‌طلبد. در این روزها که میانه آبان است و هنوز کف دانشگاه‌ها خالی از التهاپ نشده‌و ابعاد امنیتی قضایای اخیر، بیش از پیش آشکار می‌شود، گفت‌وگو معنای متفاوت‌تری با گفت‌وگوی چهار ماه پیش یا شش‌ماه پیش پیدا کرده. از این‌رو، گفت‌وگو این روزها بیش از آنکه بیان شود، باید با تغییر سیاست‌گذاری‌ها نشان داده شود. البته نقش گفت‌وگوی لسانی قابل‌کتمان نیست اما چنانچه شرایطی خاص بر این‌روزها حاکم است، تغییر مدیران ناکارآمد و اصلاح‌سیاست‌ها و تصمیم‌های بیشتر برای مردم ملموس تر و قابل‌قبول‌تر است. امروز اصلاح‌سیاست‌ها و تصمیمات باید از مواردی چون رفع فیلتر بسترهای گفت‌وگو در اینترنت و مشارکت آغاز شود، چرا که اینترنت تنها بستر همه‌گیری است که اکثریت جامعه به‌واسطه آن می‌توانند صدای خود را به مسئولان برسانند. دولت و مجلس اگرچه فکری می‌کنند تحدید اینترنت و پلتفرم‌های خارجی، امنیت بیشتر برای مردم به‌همراه خواهد داشت اما بسیاری از کارشناسان معتقدند اینترنت تنها حقی فردی نیست و بستر دستیابی به بخش مهمی از حقوق اجتماعی است. از این‌رو، اغلب کارشناسان هرگونه محدودیت در اینترنت را محدود کردن حق و ابزار اعتراض دانسته و این محدودیت اعتراض داخلی را به ضرر امنیت ملی می‌دانند. از این‌رو، دولت و مجلس با خارج کردن محدودیت اینترنت و پلتفرم‌های خارجی از دستورکار خود می‌توانند متحد بسیاری اعتماد مردم را جلب کنند. به غیر از مساله اینترنت، در دو ماه اخیر مسائل دیگری نیز وجود داشته که البته از اهمیت بالایی برخوردار بود اما چندان به آن توجه نشد. مثلاً تغییر وزرایی با عملکرد نامناسب یا کم‌کارکرداگرچه از اهمیت بالایی برخوردار است اما طی دو‌ماه اخیر دولت با مجلس به آن توجه نکرده. و مو صدقاً باز از این مساله، سیدرضا فاطمی امین، وزیر صمت و رستم قاسمی، وزیر راه و شهرسازی است. اگرچه سیدرضا فاطمی امین بنا بود استیضاح و جایگزین شود اما طی کش‌وقوس‌های فراوان در مجلس، دیروز مجدداً رای اعتماد گرفت و تغییر او منتفی شد. در این بین اما، استیضاح یا اصلاح عملکرد وزیر راه و شهرسازی روزه امیدوی برای مردم خواهد بود چرا که مجلس، وزیری را که در وعده‌های خود ناصدق بوده استیضاح کرده. در ادامه به‌طور تفصیلی به بسیاری از مواردی که در اینجا اشاره کردیم، خواهیم پرداخت که در گزارش می‌خوانید.

۹ گفت‌وگو

باید پذیرفت که همه اعتراضات رخ‌داده در دو‌ماه اخیر عنوان اغتشاش نداشته و بخشی از آن ریشه در مسائل اجتماعی و اقتصادی دارد. مسائلی که فروکش کردن آتش اعتراضات در گرو ارائه راه‌حل‌هایی منطقی به آنهاست و اگر مورد بی‌توجهی قرار گیرند چون آتش زیر خاکستر هر آن امکان شعله‌ور شدن دارند. در گفت‌وگویی که با محمدصالح مفتاح، کارشناس مسائل سیاسی داشته‌ایم به بررسی ابعادی از اعتراضات اخیر پرداخته‌ایم که دغدغه بخش زیادی از جامعه بوده و نباید با پرچسب اغتشاش آنها را بدون راه‌حل‌رها کرد.
مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

۱۱۱

اگرچه فوت مهسا امینی دست‌مایه اغتشاشات قرار گرفت اما آیا باید ریشه‌های دیگری را نیز برای شکل‌گیری اعتراضات در نظر بگیریم؟ این ریشه‌ها را نظر شما در چه حوزه‌هایی است؟

علی‌رغم اینکه مساله فوت مهسا امینی بهانه اعتراضات و به تدریج اغتشاشات قرار گرفت اما واقعیت این است که ادامه این اغتشاشات به خاطر فوت ایشان در به همین دلیل زمانی هم که علت مرگ وی مشخص شد تأثیر چندانی در ادامه ماجرا نداشت. افرادی که از بیرون درحال طرح‌ریزی بودن که خب جزو دشمنان هستند و باید برای مقابله با آنها چاره‌جویی کرد. اعتراضاتی نیز در داخل شکل گرفت که لزوماً همه آنها از جانب ایستگان به دشمنان نبود؛ و در برابر این اعتراضات ما با چندین چالش مواجهیم. ما اساساً برای شنیده شدن اعتراض برنامه روشنی نداریم. اینکه اعتراض یعنی چه و تا چه اندازه اعتراض پذیرفته است؟ با پاسخ شفاف‌ی مواجه نشده‌است. بالاخره در قانون اساسی ما چند جا با این مساله مواجه هستیم. از جمله در اصل هشتم قانون اساسی که اشاره به بحث امر به معروف دولت توسط مردم دارد. یا در اصل ۲۸ که مساله آزادی تجمعات در آن طرح می‌شود. اما آنچه در عمل رخ داده این است که ظرفیت روشنی برای این موضوع تدارک دیده نشده است. نکته دیگر عدم اثرگذاری احزاب در کشور است. برای اینکه به صورت مستمر حرف‌ها زده شده و مردم متناسب با ایده‌هایشان دور هم جمع شده و قدرت‌مند شوند امر تحزب ضروری است. مثلاً اگر افرادی با گرایش‌های چپ یا لیبرال در مورد مدیریت فضای اقتصادی طرح ایده می‌کنند باید جایی وجود داشته باشد تا دور هم جمع شوند و در مورد اداره و آینده کشور فکر و تجمع برگزار کنند. این امر باعث می‌شود در اعتراضات این جنبی مطالبه مردم مشخص شده‌و قابل‌درک باشد در نتیجه دشمن نیز کمتر فرصت سوءاستفاده پیدا خواهد کرد. زمانی که مطالبات گروه‌های مردمی شناسنامه‌دار بوده و به صورت دقیق و مشخص مطرح شود می‌توان به آن پاسخ موثری نیز داد. اما زمانی که چنین بستری وجود نداشته باشد جنبش‌های بی‌سر و هدفی را شاهد خواهیم بود که نتیجه‌ای جز نابودی و از بین رفتن ظرفیت‌های عمومی کشور است. ضربه‌ای که این تجمعات به این شکل و با این شعارها به فرهنگ، اخلاقی و همبستگی مردم زده‌است آسیب‌زبای

در فضای پس از وقایع تلخ اخیر مسئولیت دولت رئیسی سنگین تر شد

سیاست

در فضای پس از وقایع تلخ اخیر مسئولیت دولت رئیسی سنگین تر شد

اصلاحاتی که دولت نیاز دارد

مردم چشم‌انتظار گشایش مسکنی را مسکن لازم است

می‌توان وعده ساخت ۴ میلیون واحد مسکونی در مدت ۴ سال دوره مدیریت دولت سیزدهم را یکی از شاخص‌ترین وعده‌های سیدابراهیم رئیسی در روزهای ابتدایی شکل‌گیری کابینه دانست. وعده‌ای که توجه‌ها را بیش از هر چیز به گزینه احتمالی وزارت راه و شهرسازی جلب کرد. وزارت‌خانه‌ای که در راه به نتیجه رسیدن یا نرسیدن این وعده کلیدی دولت سیزدهم مهم‌ترین نقش را برعهده داشته و دارد. اما حالا با گذشت یک‌سال و یک ماه و چند روز از آغاز به کار کابینه، می‌توان ارزیابی منصفانه‌ای از عملکرد دولت در این حوزه داشت. مدت‌زمانی که به‌نوعی یک‌چهارم‌مدت‌زمان چهارساله دولت سیزدهم برای تحویل ۴ میلیون واحد مسکونی به مردم محسوب می‌شود. وعده مسکنی، از آن دست قول‌هایی است که درصورت تحقق، هم بخشی از مردم را خانه‌دار می‌کند و هم در نتیجه فرآیند ساخت‌وسازها، مساله اشتغال مردم در منطقه هدف را تا حدی بهبود می‌بخشد. اما نکته اینجااست که اگر در پایان چهار سال مدیریت دولت سیزدهم درنهایت این وعده محقق نشود، حدود ۴ میلیون خانوار خانه‌دار نشوند و مشکل اشتغال جامعه‌پیرامون این ساخت‌وسازها هم حل نشود، شاهد ضربه‌ای کاری به سرمایه اجتماعی دولت سیزدهم خواهیم بود. در شماره روز گذشته «فرهیختگان» طی گزارشی تحت عنوان «پروژه ساخت مسکن دولت در بیراهه» به بررسی مولفه‌هایی پرداختیم که دولت برای تحقق وعده حیاتی و مهم خود باید تا پیش از این مورد توجه قرار می‌داده اما اکنون در وضعیت قابل‌قبولی قرار نگرفته‌اند. مولفه‌هایی مثل «جلوگیری از سقوط تسهیلات مسکن»، «تسهیل روند صدور مجوزهای ساخت»، «سرعت بخشیدن به هفت‌خوان صدور پروانه»، «لزم توجه به تکمیل سامانه املاک و اسکان» و… که عدم توجه کافی مجموعه وزارت راه و شهرسازی نسبت به هر کدام موجب شده نگرانی‌ها دربارہ عدم تحقق وعده مسکنی دولت، روزه‌روز بیشتر شود. علاوه‌بر این، وزارت‌خانه تحت مدیریت رستم قاسمی طی بیش از یک‌سال گذشته، درگیر حواشی سیاسی قابل‌توجهی بوده‌است. حواشی و مسائلی که هریک به‌تنهایی مانند‌وزنه‌ای، سرعت‌گیر روند به‌نتیجه‌رسیدن «پروژه ساخت مسکن دولت» شده‌است. در چنین شرایطی این‌شخص رئیس‌جمهور است که باید به اتفاق مشاوران خود به‌محاسبه‌ای واقع‌گرایانه دست زده و ببینند برای به‌نتیجه‌رسیدن وعده‌ای با این ابعاد باید چه کنند. آیا سیاست وعده‌داده شده خود را تغییر خواهند داد یا این سیاست‌گذاران وزارت راه و شهرسازی هستند که این وزارت‌خانه را ترک خواهند کرد. رئیسی در نشست خبری شهربورماه خود هم بار دیگر بر عزم دولت برای تحقق وعده مسکنی تأکید کرده بود. او در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی گفته بود از این وعده عقب‌نشینی نخواهد کرد و همچنان یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های دولت، جامه‌عمل پوشاندن به وعده تحویل ۴ میلیون مسکن طی ۴ سال است. رئیس‌جمهور دراین باره گفت: «این نیاز کشور است که یک میلیون مسکن در سسال ساخته شود. وضعیت امروز در مسکن به دلیل عقب‌ماندگی سسال‌های پیش است که باید یک میلیون مسکن ایجاد می‌شد و نشد. ۲۰۰ هزار مسکن روستایی و ۸۰۰ هزار مسکن شهری جزو نیاز کشور است و مصوبه مجلس هم در زمینه قانون مسکن است.» رئیسی همچنین بازدید خود از وزارت‌خانه راه و شهرسازی را به‌عنوان نخستین بازدید وزارت‌خانه‌ای به‌دلیل جدی بودن دغدغه‌اش نسبت به این وعده مهم مطرح کرد.

با همه اینها باید منتظر ماند و دید تصمیم رئیس‌جمهور چه خواهد بود. آیا رستم قاسمی وزیر می‌ماند و در پایان دوره مسئولیت خود ۴ میلیون مسکن آماده تحویل

می‌دهد یا دولت تصمیم به تغییر وزیر یا حتی اصلاح وعده داده‌شده خود در مورد تعداد مسکن ساخته‌شده در سال ۱۴۰۴ خواهد گرفت.

مساله آزادی‌های اجتماعی

زارع‌پور و اسماعیلی در کجای این پازل ایستاده‌اند؟

وزرای دیگری که این روزها به‌صورت ویژه‌تر و به‌جهت جنس تحولات اجتماعی رخ داده، در کانون توجهات افکار عمومی و رسانه‌ها قرار گرفته‌اند، عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات و محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند. دو وزیری که فارغ از عملکردشان در میانه بحران شکل گرفته طی چهل روز اخیر، شاهد واپرال شدن اظهارنظرهای بعضاً عجیب‌شان هم بوده‌ایم. مثلاً وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در روزهای اوج التهایات اجتماعی و بعد از آنکه چند بازیگر در شبکه‌های اجتماعی تصاویری بدون حجاب از خود منتشر کرده بودند سعی کرد موضعی بگیرد که تأکید مجموعه وزارتخانه تحت مدیریتش نسبت به چهارچوب‌های قانونی را نشان دهد، اما درنهایت آنچه از اظهارات آقای وزیر در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد قسمت نسبتاً تند ماجرا با این جمله بود: «اگر کسی اصرار دارد از قوانین جمهوری اسلامی تبعیت نکند، ما اصراری بر مجبور کردن آنها به این امر نداریم، آنها می‌توانند آزادانه وارد فعالیت‌های دیگری بشوند.» که قسمت «می‌توانند آزادانه وارد فعالیت دیگری بشوند» حرف‌های اسماعیلی خیلی سریع از سوی برخی کاربران فضای مجازی مشابه جمله معروف «هرکسی مشکلی دارد جمع کند و برود، عنوان شد و موجی از اعتراضات مجازی را به سمت وزیر فرهنگ روانه کرد. البته آقای وزیر چند روز بعد در مصاحبه دیگری به آغوش باز مجموعه وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی برای هنرمندان کشور اشاره کرد که البته به اندازه اظهارات قبلی در فضای مجازی دست به دست نشد.

اهمیت مساله کیفیت اظهارنظر مقام‌مسئولی در جایگاه اسماعیلی زمانی جدی‌تر می‌شود که بدانیم مجموعه وزارتخانه فرهنگ، ابزارهایی در اختیار دارد که علاوه‌بر عامه مردم، می‌تواند نخبان و روشن‌فکران را هم در اوج التهایات نه‌تنها به آرامش دعوت کند، بلکه به مروجان آرامش تبدیل کند. ابزارهایی ایجابی در حوزه فرهنگ و هنر که هریک به‌تنهایی می‌توانند نشان‌دهنده دست پر دولت در آن زمینه‌ها باشد. وزارتخانه دیگری که کیفیت اقداماتش تأثیر مستقیمی بر میزان رضایت‌افکار عمومی نسبت به حوزه آزادی‌های اجتماعی و کیفیت آن خواهد داشت، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است. اگر بخوایم در خصوص عملکرد و اظهارنظرهای وزیر ارتباطات بدون تعارف صحبت کنیم، باید گفت زارع‌پور از دولتمردانی است که مستعد تبدیل شدن به پاشنه آشیل دولت رئیسی به‌نظر می‌رسد. همان‌طور که درحال حاضر بخشی از افکار عمومی چالش‌های روزمره خود در فضای مجازی و مشکلات به‌وجودآمده برای کسب‌وکارهای اینترنتی راناشی از برخی ناکارآمدی‌ها در این وزارتخانه می‌داند، اظهارنظرهای جسته و گریخته زارع‌پور دربارہ فضای به‌وجود آمده‌فعلی هم به‌تنهایی به‌بخشی از مساله تبدیل شده‌است. وزیر ارتباطات، چندروز بعد از آنکه به‌درستی اعلام کرد محدودیت‌های به‌وجودآمده برای اینترنت با تصمیم نهادهای بالادستی صورت گرفته‌است، در سخنانی خبر از رفع همه محدودیت‌های اینترنتی داد که البته چندان با واقعیت همخوانی نداشت. زارع‌پور همچنین چند روز بعد از آن خبر، در حاشیه هیات دولت درجمع خبرنگاران در اظهاراتی عجیب از ایده جرم‌انگاری خرید وی‌پی‌ان‌ها سخن گفت که بعد از بازتاب‌های رسانه‌ای منفی این اظهارات آقای وزیر، وزارتخانه ارتباطات اطلاع‌های منتشر کرد و سخنان

محمدصالح مفتاح، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

باید بتوانیم آینده روشن و بدون ابهامی را

در مقابل نسل جوان دهیم

اعتراضات اخیر شاهد بودیم که دانشگاه نیز دچار آشوب شده و خود به مساله‌ای برای حکمرانی تبدیل شد. آیا می‌توانیم اتفاقات درون دانشگاه را نیز ناشی از همین آسیب یعنی سیاست‌زدایی از دانشگاه ارزیابی کنیم؟
اگر قرار است سیاست را اصلاح کنیم به یک پشتوانه علمی و نظری نیاز داریم که قاعدتاً دانشگاه باید برگردد و نقش خودش را در عرصه سیاسی به عهده بگیرد. دانشگاه به‌عنوان نهاد علم باید نقش خودش را در عرصه سیاست مشخص کند و بگوید که چگونه می‌خواهد به اصلاح سیاست کمک کند. از جهت دیگر نقش دانشگاه خیلی مهم است. چراکه از ابتدای انقلاب تاکنون نسل جوان به‌عنوان پیشران حرکت‌های اجتماعی یک جریان پرقدرت در کشور محسوب می‌شود. اما متأسفانه اتفاقاتی که رخ‌دانشان داد که دانشگاه‌ها بسیار ضعیف‌است. از جهت اینکه فاقد گفتمان و منطق است. فحاشی‌های رکیک فضای دانشجویی نشان می‌دهد که سطح مطالبات جوان دانشجویه‌شدت کاهش پیدا کرده‌و به‌موضوعات سطح‌پایینی تنزل یافته‌است. حتماً باید برای بازگرداندن سیاست به فضای دانشگاه چاره‌جویی کرد. کرسی‌های آزاداندیشی راهکاری بوده‌است که‌هبر انقلاب گفته‌اند و متأسفانه به‌آن توجه‌نشده‌است. بهترین راهبردی برای بازگرداندن بحث‌های جدی به دانشگاه همین امر است. شاید رسانه‌تواند این نقش را به‌صورت کامل برعهده بگیرد اما دانشگاه حتماً می‌تواند به‌بستری برای شکل‌گیری مناظرات جدی تبدیل شود. ممکن است در شروع شکل‌گیری مناظرات بحث‌های شعاری و شتاب‌زده باشد و افراد بی‌بایه‌خوانی کنند اما کم‌کم عیار حرف‌های منطقی و توهین‌آمیز مشخص می‌شود. کنارهم قرار گرفتن اف‌گتمان‌هایی توان‌ندسل آینده کشور مارپیش‌ببرد. دانشجویا باید متوجه شوند که باید برای مسائل اساسی فکر کنند. اگر مسائلی همچون آزادی‌های اجتماعی، استقلال، امنیت به‌موضوعات مورد بحث حکمرانی تبدیل شده‌است نسل جوان باید به این موضوعات به‌صورت عمیق و مستمر اندیشیده و پاسخ دهد. دانشجویو دانشگاه را باید به میدان بازگردانیم.

در بعد اجتماعی چه اقداماتی می‌تواند منجر به امیدآفرینی و کاهش تنش‌ها شود. تصمیماتی که تحت عنوان مدیریت فضای مجازی گرفته می‌شود چه اثری بر اعتراضات خواهد گذاشت؟

مردم باید نسبت به فضای کسب‌وکار و زندگی خود یک اطمینان خاطر داشته باشند

چهارشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۱ شماره ۲۷۲۳

۲

زارع‌پور را در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران درخصوص دلیل عدم برخورد با فیلترشکن فروشان عنوان کرد و در تکمله افزود وزیر گفته است: «فروش فیلترشکن و کسب درآمد از آن غیرمجاز است ولی نسبت به آن جرم‌انگاری نشده‌است.» به گفته وی، اکنون تلاش‌هایی صورت می‌گیرد که فروش این ابزارها علاوه‌بر غیرمجاز بودن، جرم‌انگاری شود. این اطلاعیه همچنین تأکید کرد غیرقانونی بودن استفاده از وی‌پی‌ان تفسیر اشتباه رسانه‌ها از سخنان وزیر ارتباطات بوده‌است و صحیح نیست. فارغ از این اظهارنظرها و موضع‌گیری‌هایی که از وزیر یا مدیران مجموعه وزارت ارتباطات شاهد بوده‌ایم، شرایط دسترسی مردم به اینترنت در وضعیتی قرار دارد که بعضاً مردم در فضای مجازی به شوخی از زارع‌پور به‌عنوان وزیر پست، تلگراف و تلفن یاد می‌کنند نه وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات.

دراین خصوص هم باید منتظر موضع قاطع رئیس‌جمهور ماند و دید آیا رئیسی، دوباره می‌تواند با محور قرار دادن دیدگاه‌های واقع‌گرایانه و مثبت خود در نخستین روزهای ریاست جمهوری درخصوص آزادی‌های اجتماعی، اعتمادآسب‌دیده مردم از برخی فیلترینگ‌های نه‌چندان لازم (مثل فیلترینگ سرویس‌های گوگل) را ترمیم کند یا قرار است زباله‌ها به زیر فرش جارو زده شده و نسبت به مطالبات بخش‌های قابل توجهی از جامعه بی‌توجه ماند.

۳ **بارور کردن سیاست در دانشگاه عقیم‌شده!**

صحنه کنش سیاسی-اجتماعی دو‌ماه اخیر ابتدا موضوعش نه دانشجوی بود نه درکف دانشگاه. اما رفته‌رفته دانشجویان محور قرار گرفتند و دانشگاه و مطالبات هم شد مطالبه دانشجویو دانشگاه. دیگر صحبت دانشجویان، مهسا امینی‌ها یا آرتین‌ها نیست، بلکه صحبت بر سر هویت سیاسی و اجتماعی دانشجوی در دانشگاه است، دانشگاهی که روزگاری بنا بود محفل نخبان و اندیشه‌ورزی برای حل‌نظام مسائل حاکمیت و جامعه باشد، اما امروز محفلی اقتصادی شده و دانشجویو هم کارتل‌ی اقتصادی برای کشور. اعتراضات موجود در جامعه هم بخشی‌اش به مردم دهه‌های گذشته برمی‌گردد که در دوران دانشجویی خود از سیاست و جامعه جدا شسندند و انباشتی از بی‌هویتی رابر دوش می‌کشند. با‌دنظر گرفتن همه موارد بیان‌شده، اولویت دولت سیزدهم باید شکستن فضای بی‌هویت و رخوت‌زده در دانشگاه باشد. در گام اول مسئولان باید به کنش سیاسی و اجتماعی در دانشگاه اصالت بدهندو آن را به‌رسمیت بشناسند. لازمه این اقدام، به‌رسمیت شناختن کتکر سلاقی در آیین‌نامه دانشجویی و دانشگاه‌هاست. در گام دوم باید نگاه کالایی به آموزش حذف شود؛ چراکه نه‌تنها این نگاه بر دانشگاه و دانشجو حاکم است، بلکه بر مدارس و دانش‌آموزان هم حاکم است. چنانچه در ماجراهای اخیر شاهد بودیم دانش‌آموزان هم دچار بی‌هویتی بودند و فریاد آنها نیز بلند شد، بنابراین نه‌تنها در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، بلکه در وزارت آموزش‌وپرورش و وزارت بهداشت (علوم پزشکی) باید سیاست‌گذاری تغییر کند. البته در این روزها اقدامات مثبت و ابتدایی هم در این زمینه از سوی دولت انجام‌شده، ازجمله حضور سخنگوی دولت در میان دانشجویان معترض و شنیدن مطالبات آنان. حتی ۱۵‌ماه یعنی چهار روز گذشته، رئیس‌جمهور با روسای دانشگاه‌های سراسر کشور به‌گفت‌وگو پرداخت که این اقدامات بسیار مثبتی برای حل مسائل دولت و کشور خواهد بود. این اقدامات اگرچه خوب و مثبت است اما تا‌زمانی که به سیاست‌زدایی از دانشگاه‌ها پایان داده نشود، مشکلی از مشکلات جامعه حل نخواهد شد. برهمن اساس دولت خورده‌است تصمیم به بستن آن می‌گیریم. مردم ارتباطات، سرگرمی و کسب‌وکار خودشان را از دست داده‌اند و این بستن فضا اصلاً فاختاری ندارد. همه این موارد یک منظومه‌ای را شکل داده که باید ما را در تصمیم‌گیری حول موضوعات اجتماعی محتاط کند. اگر این مساله ضرورت هم دارد باید از طریق گفت‌وگو و اقناع عمومی مردم پیش‌برود.

در بعد اقتصادی رفع چه چالش‌هایی باید در اولویت قرار گیرد؟

خیلی‌از این اعتراضات حتماً ریشه اقتصادی دارد. حتماً مساله مسکن و به‌طور کلی معیشت، مردم‌راذیت می‌کند. خیلی از این موضوعات در دستمه‌سائلی می‌گنجد که ما باید خیلی شفاف‌بان‌روربهرشویم. همان‌طور که در مقابل مسائل اجتماعی نیاز به گفت‌وگو داریم باید در مسائل اقتصادی نیز گفت‌وگو با مردم را در دستور کار قرار دهیم. اما انگار برخی از مسئولان مابرای پاسخ دادن به سوالات اساسی ترس دارند. اگر قرار است مساله مسکن و سایر مسائل اقتصادی را به درستی حل کنیم نیازمند طرح پرسش‌ها و پاسخ‌های درست هستیم. گفتن عدد و رقم‌هایی که دست یافتن به آن سخت است و شاید اصلاً امکان اجرایی شدن آن نباشد هم مهلکی محسوب می‌شود. ما هر بار که پیشنهادی را مطرح کرده‌و دستوری بدهیم که امکان اجرایی کردن آن را نداریم، به‌جای اینکه به‌پیش‌فته‌یافته‌یافتل در نقطه‌ای که هستیم، به‌سببیم چهار عقب‌گرد می‌شویم. هر قانونی که نوشته‌شده و به اجرا درنیاید ما را به عقب‌باز می‌گرداند. برنامه ششم توسعه که ۳۰ درصد از اهداف آن محقق شده‌است نشان می‌دهد که نه سوالات را درست طرح کرده و نه پاسخ‌های درستی به آن داده‌ایم و نه توانمندی‌های اجرایی خودمان را به درستی تشخیص داده‌ایم. توجه به این موارد باعث می‌شود که مردم کم‌کم آینده مطلوبی را برای خود تصور کرده و امیدوار بشوند. نسل جوان امروز آینده‌پیش‌روی خود خیلی مبهم می‌بیند و مهم‌ترین چیز این است که بتوانیم آینده درستی را پیش‌روی نسل جوان بگذاریم.